# چرا خداوند نماز را واجب نموده است؟

در پاسخ به این پرسش علت‌های متعددی می‌توان بیان کرد که در ادامه به اختصار به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

## جلوگیری از تحریف دین؛

امام صادق(ع) در پاسخ به این سوال فرمودند: اگر خداوند در فرستادن دین، تنها به فرستادن کتاب آسمانی اکتفا می‌کرد و عملی برای محافظت و یادآوری روزانۀ آن قرار نمی­داد، حتما دین تحریف می­گردید و به سرنوشتی دچار می‌شدند که ادیان گذشته گرفتار شدند؛ که دینشان از بین رفت و به عاقبتی دچار شدند که نبایست می‌شدند.[[1]](#footnote-1)

## جلوگیری از فراموشی نقش پیامبر در اسلام؛

امام صادق(ع) فرمودند که یکی از علت‌های واجب شدن نماز این است که خداوند اراده فرموده است که مسلمانان هرگز یاد پیامبر اکرمو کوشش‌های او برای اسلام را فراموش نکنند.[[2]](#footnote-2)

## جلوگیری از غفلت و فراموشی یاد خداوند؛

علت دیگر واجب شدن نماز، به فرمودۀ امام صادق(ع) جلوگیری از فراموشی یاد خداوند می­باشد؛ چون انسان موجودی فراموش‌کار است و برای جلوگیری از غفلت او نیاز به یادآوری دارد و چه یادآوری‌ای برتر از نماز که هر روز در پنج نوبت فرد با ستایش خالق خود، به یاد بزرگی و عظمت او بیفتد.[[3]](#footnote-3)

## اقرار به ربوبیت پروردگار؛

امام رضا(ع) فلسفۀ واجب شدن نماز را اقرار انسان‌ها به ربوبیت خداوند معرفی فرموده‌اند.[[4]](#footnote-4)

## جلوگیری از شرک؛

نماز نماد توحید و نشانگر موحد بودن انسان‌هاست؛ زیرا اگر جز الله خدای دیگری هم بود، بایستی آن خدای دیگر نیز، نوعی پرستش برای خود معلوم می­نمود؛ لذا خداوند بدین وسیله راه شرک را ریشه‌کن نموده است تا مبادا اشخاص روی به شرک آورند؛ بلکه همگان با نماز، وحدت و هم‌صدایی خود را در پرستش آفریدگار یگانه نشان دهند.[[5]](#footnote-5)

## اظهار خشوع و اعتراف به کوچکی خود در برابر خداوند؛

خالق یکتا کمال مطلق است و خداوند برای آنکه کوچکی و ناتوانی انسان از سوی دیگر قدرت خویش را به او نشان دهد تا از ستم و تعدی و طغیان و سرکشی بندگان جلوگیری نماید، نماز را بر او واجب کرد؛ در واقع نماز راهی برای اعتراف بندگان به کوچکی خود در برابر پروردگار و سبب خاشع‌شدن آنها در برابر اوست.[[6]](#footnote-6)

## طلب آمرزش گناه؛

خداوند نماز را واجب نمود تا راهی باشد برای اینکه انسان از خداوند بخواهد که گناهان گذشتۀ او را بخشش از و بدین وسیله روح خود را از کثافات گذشته پاک کند.[[7]](#footnote-7)

## تعظیم برابر خداوند؛

امام رضا فرمودند: خدواند نماز را واجب نمود تا بندگان با گذاشتن صورت بر خاک، در برابر خداوند، به بزرگی و عظمت خداوند اعتراف نمایند.[[8]](#footnote-8)

## افزایش معرفت دین؛

به سبب انجام نماز که ستون دین است، پایه­های اعتقادی انسان­ها تقویت می­گردد.[[9]](#footnote-9)

## طلب برکت در زندگی دنیوی؛

خداوند نماز را وسیله­ای برای طلب برکت در زندگانی مسلمانان قرار داده است که به وسیله آن روزی انسان وسعت یابد.[[10]](#footnote-10)

## بازدارندگی از گناه و انواع فساد؛

خداوند نماز را واجب نموده تا مایۀ دوری و انزجار انسان از گناه باشد و انسان به سبب آن به نوعی مصونیت عملی در برابر گناه دست یابد.[[11]](#footnote-11)

##  دوری از تکبر و خود پسندی

شیطان به سبب تکبر حاضر نشد به روح خداوند که در کالبد آدم دمیده شده بود، سجده کند؛ برای همین از درگاه خداوند رانده شد و او از سجده و تواضع برای بر خداوند متنفر است در حالی که انسان در هنگام نماز به بهترین شکل در برای خداوند تواضع و خضوع می‌کند و به همین سبب تکبر از او دور می‌شود. به فرموده امیر مومنان(ع) و حضرت فاطمۀ زهرا(س) خداوند نماز را برای دوری از تکبر واجب نمود.[[12]](#footnote-12)

1. . حدثنا علي بن أحمد بن محمد رحمه الله قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن محمد بن إسماعيل البرقي قال حدثنا علي بن العباس عن عمر بن عبد العزيز قال حدثنا هشام بن الحكم قال‏ سألت أبا عبد الله  عن‏ علة الصلاة فإن فيها مشغلة للناس عن حوائجهم و متعبة لهم في أبدانهم قال فيها علل و ذلك أن الناس لو تركوا بغير تنبيه و لا تذكر للنبي ص بأكثر من الخبر الأول و بقاء الكتاب في أيديهم فقط لكانوا على ما كان عليه الأولون فإنهم قد كانوا اتخذوا دينا و و ضعوا كتبا و دعوا أناسا إلى ما هم عليه وقتلوهم على ذلك فدرس أمرهم و ذهب حين ذهبوا و أراد الله تبارك و تعالى أن لا ينسيهم أمر محمد ص ففرض عليهم الصلاة يذكرونه في كل يوم خمس مرات ينادون باسمه و تعبدوا بالصلاة و ذكر الله­ لكيلايغفلوا عنه و ينسوه فيندرس ذكره‏.
حدثنا علي بن أحمد بن محمد قال حدثنا محمد بن يعقوب قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله عن محمد بن إسماعيل عن علي بن العباس قال حدثنا القاسم بن ربيع الصحاف عن محمد بن سنان أن أبا الحسن علي بن موسى الرضا  كتب إليه فيما كتب من جواب مسائله‏ أن علة الصلاة أنها إقرار بالربوبية لله عز و جل و خلع الأنداد و قيام بين يدي الجبار جل جلاله بالذل و المسكنة و الخضوع و الاعتراف و الطلب للإقالة من سالف الذنوب و و ضع الوجه على الأرض كل يوم خمس مرات إعظاما لله عز و جل و أن يكون ذاكرا غير ناس و لا بطر و يكون خاشعا متذللا راغبا طالبا للزيادة في الدين و الدنيا مع ما فيه من الانزجار و المداومة على ذكر الله عز و جل بالليل و النهار لئلا ينسى العبد سيده و مدبره و خالقه فيبطر و يطغى و يكون في ذكره لربه و قيامه بين يديه زاجرا له عن المعاصي و مانعا من أنواع الفساد. (علل الشرائع، ج‏2، ص317) [↑](#footnote-ref-1)
2. . علل الشرائع، ج‏2، ص317. [↑](#footnote-ref-2)
3. . همان. [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان. [↑](#footnote-ref-5)
6. . علل الشرائع، ج‏2، ص317. [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان. [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان. [↑](#footnote-ref-10)
11. . علل الشرائع، ج‏2، ص317. [↑](#footnote-ref-11)
12. . عن فاطمه الزهراء(س) : ففرض الله الإيمان‏ تطهيرا من الشرك و الصلاة تنزيها عن الكبر. (من لا يحضره الفقيه، ج‏3، ص568). [↑](#footnote-ref-12)